

## اثر میانجی همدلی، نشخوار فکری و خشم در رابطه بین خودشیفتگی و فقدان بخشش

## میان فردی

\*مجید صفاری نیا<sup>1</sup>، مهدی دهستانی<sup>2</sup>، اعظم فطری<sup>3</sup>

1. دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور، 2. دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور، 3. کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه پیام نور

(تاریخ وصول: 95/11/10 - تاریخ پذیرش: 96/05/29)

**The mediating effect of empathy, rumination, and anger on the relationship between narcissism and lack of interpersonal forgiveness**\*Majid Saffari Nia<sup>1</sup>, Mahdi Dehestani<sup>2</sup>, Azam Fetri<sup>3</sup>

1. Associate Professor of Psychology, Payame Noor University, 2. Associate Professor of Psychology, Payame Noor University, 3. Master of Psychology, Payame Noor University

(Received: Mar. 29, 2017 - Accepted: Sep. 19, 2017)

**Abstract**

This study examined the mediating effect of empathy, rumination, and anger on the relationship between narcissism and lack of interpersonal forgiveness. The research method was correlational. The population of this study were all students of Qazvin universities from which 197 persons were selected as the research sample. To collect data, the Narcissistic Personality Questionnaire (Raskin & Terry, 1988), Lack of interpersonal forgiveness associated with the error, and the Empathy Scale (Batson & Shaw, 1991) were applied. The results of Pearson correlation showed a significant negative correlation between empathy and narcissism, and a positive correlation between narcissism and rumination/anger. The results also revealed a significant negative relationship between unforgiveness, rumination, and anger; however, no correlation was found between empathy and unforgiveness. Mediated regression test results revealed that narcissism had a significant effect on the rate of unforgiveness. In addition, the results showed that from among empathy, rumination, and anger, anger and rumination had mediating effect on the relationship between narcissism and unforgiveness. Thus, it can be concluded that if detailed behavioral variables such as the state of anger and rumination be considered, change in more general behaviors such as forgiveness might be achievable.

**Keywords:** Empathy, Lack of forgiveness, Narcissistic personality, Rage, Rumination.

**چکیده**

مقدمه: هدف پژوهش حاضر تعیین اثر میانجی همدلی، نشخوار فکری و خشم در رابطه بین خودشیفتگی و فقدان بخشش میان فردی بود. روش: روش پژوهش از نوع توصیفی همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر 400 دانشجوی کاربر فیسبوک، لاین و وایبر دانشگاه‌های قزوین بودند که از بین آنها تعداد 197 نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های شخصیت خودشیفته راسکین و تری (1988)، عدم بخشش بین فردی مرتبط با خطا، مقیاس همدلی (باتسون و شاول، 1991) و مقیاس حالت خشم اسپیلبرگر (2003) استفاده شد. یافته‌ها: نتایج حاصل از همبستگی پیرسون نشان داد بین خودشیفتگی با همدلی رابطه منفی معنادار و بین خودشیفتگی با نشخوار فکری و خشم رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد بین عدم بخشش با خشم و نشخوار فکری رابطه منفی معنادار وجود دارد ولی بین همدلی با عدم بخشش رابطه معنادار وجود ندارد. نتایج آزمون رگرسیون میانجی نشان داد متغیر خودشیفتگی به طور مستقیم اثر معنادار بر میزان عدم بخشش دارد. همچنین نتایج نشان داد که از بین متغیرهای همدلی، نشخوار ذهنی و حالت خشم متغیرهای حالت خشم و نشخوار فکری اثر میانجی بر رابطه بین خودشیفتگی و عدم بخشش دارند. نتیجه گیری: بنابراین می‌توان اینطور نتیجه گرفت که اگر متغیرهایی جزئی رفتاری مانند حالت خشم و نشخوار فکری مورد توجه قرار گیرد از این طریق توانایی تغییر رفتار کلی تر مانند بخشش وجود خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: حالت همدلی، عدم بخشش، خودشیفتگی، حالت خشم، نشخوار

فکری.

## مقدمه

از سوی محققین پیشنهاد شده است. انرایت<sup>10</sup> بخشش را به عنوان واکنش روان‌شناختی تعریف می‌کند که مشمول شش مؤلفه روان‌شناختی عدم عاطفه، قضاوت و رفتار منفی نسبت به خطاکار و وجود عاطفه، قضاوت و رفتار مثبت نسبت به همان خطاکار است (انرایت، فردمن و ریکو<sup>11</sup>، 1998). ورثینگتون بخشش را به عنوان جابه‌جایی هیجاناتی نظیر تنفر، تلخی، کینه، دشمنی، خشم و ترس با هیجانات متمایل به مثبت نظیر عشق، همدلی، شفقت یا همدردی تعریف می‌کند (ورثینگتون، 1999). مک کالو و همکاران (1998) نظام انگیزشی دو عاملی اجتناب و انتقام در واکنش افراد نسبت به خطاها و اشتباه‌های بین فردی را مطرح کردند. اجتناب به معنی دوری از تماس شخصی و جسمی با فرد خطاکار است و انتقام یعنی در جستجوی انتقام بودن یا آرزوی آسیب دیدن فرد خطاکار است.

در سه دهه اخیر تمایل فزاینده‌ای در مطالعه خودشیفتگی و بازشناسی ناهمگن قابل توجهی درون ساختار آن دیده می‌شود. خودشیفتگی<sup>12</sup> از متغیرهای شخصیتی است که با بروز و تعدیل رفتارها ارتباط نزدیکی دارد. از این رو توجه روانشناسان اجتماعی و شخصیت به خود شیفتگی در سال‌های اخیر به شدت افزایش پیدا کرده است و یک تغییر کلی در دیدگاه آنان در مورد خود شیفتگی ایجاد شده است به طوری که سطوح غیر بالینی خود شیفتگی را به عنوان یک بعد و به

بدون شک یکی از مباحث اصلی و بنیادی علم روان‌شناسی ویژگی‌های شخصیتی است که زیر بنای نظام رفتاری افراد را تشکیل می‌دهد. در این راستا در حوزه سلامت‌روان و بهزیستی روان‌شناختی، اخیراً بخشش مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (گریفین و همکاران<sup>1</sup>، 2015؛ فردریک<sup>2</sup>، 2015؛ ون در وال و همکاران<sup>3</sup>، 2016). بخشش<sup>4</sup> نوعی ویژگی درون‌فردی است که فرد بخشنده، برای نشان دادن واکنشی مثبت و جامعه‌پسندانه در برابر خطاهای انسانی و محیطی صورت می‌گیرد (مالتبی، مک‌اسکیل و جیلت<sup>5</sup>، 2007). از فرایندهای روان‌شناختی و ارتباطی برای افزایش سلامت‌روان و التیام آزرده‌گی، که لازمه رشد ارتباطی، عاطفی، معنوی و جسمانی انسان است می‌توان از بخشش نام برد. به عبارت دیگر بخشش، تحولی عاطفی است که آزادانه برگزیده می‌شود و طی آن میل به انتقام<sup>6</sup> و اجتناب<sup>7</sup> از خطاکار کاهش می‌یابد (ورثینگتون و همکاران<sup>8</sup>، 2007). همچنین مک کالو، فینچام و تسانگ<sup>9</sup> (2003) بخشش را عملی آزادانه از سوی بخشنده می‌دانند و آن را مجموعه‌ای از تغییرات روانی-اجتماعی محسوب می‌کنند که سپری شدن زمان، ضرورت اصلی آن است. در بررسی فرایند بخشش، مدل‌های متفاوتی

1. Griffin
2. Frederick
3. Van der Wal
4. Forgiveness
5. Maltby, J., Macaskill, A. & Gillett
6. Revenge
7. Avoidance
8. Worthington & et al
9. McCullough, Fincham & Tsang

10. Enright

11. Enright, Freedman & Rique

12. Narcissism

مجید صفاری نیا و همکاران: اثر میانجی همدلی، نشخوار فکری و خشم در رابطه بین خودشیفتگی و فقدان بخشش میان فردی

پروتستان ایالت متحده آمریکا پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که متغیر میانجی تمایز از خود تاثیر متغیر پیش بین آرمان‌گرایی، بی‌ثباتی هدف، مخفی سازی افسردگی، بخشش و فروتنی را میانجیگری می‌کند.

بر اساس رویکرد مک کالو (1998) سه نظام که به فرایند بخشش بین فردی کمک می‌کنند را پیشنهاد نمودند. نخست نظام صمیمیت\_همدلی که در آن همدلی<sup>6</sup> به عنوان عامل اصلی در بخشش تلقی می‌شود. دوم نظام نشخوار فکری<sup>7</sup> که در آن نشخوارهای ذهنی که پس از وقوع اشتباه نمایان می‌شود و آشفتگی بین فردی را وخیم می‌کند و برای پیش‌بینی انگیزش‌های انتقام‌جویانه اهمیت دارد و سوم بازسازی صمیمیت میان افراد که مانع از رفتارهای اجتنابی می‌شود و رفتارهای آشتی‌جویانه را تسهیل می‌کند (مک کالو و همکاران، 1998).

در رویکرد مک کالو و همکاران (1998) بیان شده که ارتقا همدلی باعث افزایش میزان بخشش می‌شود و فرض شده که همدلی با فرد رنجاننده، شرایط تسهیل‌کننده‌ی محوری است که منجر به بخشش می‌شود. در این راستا مجموعه‌ای از پدیده‌های اجتماعی مانند تعاون، نوع دوستی، پرخاشگری به‌نظر می‌رسد که از طریق همدلی با فرد رنجاننده تسهیل می‌شود. همچنین بر این اعتقادند که بخشش نیز مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی از طریق همدلی تسهیل می‌شود. همدلی مفاهیمی مانند همدردی، دلسوزی، و عطوفت را درهم می‌آمیزد. علاوه بر این‌ها همدلی ظرفیت بنیادی افراد در تنظیم روابط، حمایت از

صورت یک پیوستار از بهنجار تا خودشیفته مانند سایر صفات شخصیتی در نظر می‌گیرند (فاستر و کمبل<sup>1</sup>، 2007؛ میلر و کمبل<sup>2</sup>، 2008). در این راستا پژوهش‌ها نشان داده‌اند که خودشیفتگی بر فرایند بخشش اثرگذار است و گزارش نموده‌اند که اثری بازدارنده بر فرایند بخشش دارد (امونس<sup>3</sup>، 2000). در ارتباط با بخشش نشان داده شده است که متغیرهای تفاوت‌های فردی بر واکنش فرد به خطا مؤثر هستند (فهر، گلفاند ناگ<sup>4</sup>، 2010). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد خودشیفته به بخشش خطاهای فردی تمایل کمتری نشان می‌دهند (ایتون، استراترس وستلی<sup>5</sup>، وستلی<sup>5</sup>، 2006). در این راستا بال و پتی جاوون<sup>4</sup> جاوون<sup>4</sup> (2016) در پژوهشی رابطه بین خودشیفتگی و بخشش را بررسی نمودند و گزارش نمودند که میزان خودشیفتگی بالا با بخشش پایین همراه است یعنی افرادی که خودشیفتگی بیشتری دارند بخشش کمتری دارند. همچنین ساندریج و همکاران<sup>5</sup> (2016) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین خودشیفتگی آسیب‌پذیر، بخشش بین فردی، فروتنی و افسردگی با میانجی‌گری تمایز از خود در بین دانشجویان در دانشگاه

1. Foster & Campbell
2. Miller & Campbell
3. Emmons
4. Fehr, Gelfand & Nag
5. Eaton, Struthers & Santelli
4. Ball & Patti Javon
5. Sandage & el al
6. Empathy
7. Rumination
8. Rieffe, Ketelear & Wiefferik
9. Jolliffe & Farrington
10. Rieffe & el al
11. Sousa, Macdonald, Rushby, Li, Dimoska & James
12. Ali, Amorim & Chamorro

شخصی مثبت و همبستگی خودشیفتگی با کیفیت روابط بین شخصی منفی بود. از سوی دیگر نتایج نشان از تاثیرگذاری غیرمستقیم همدلی بر کیفیت روابط بین شخصی از طریق خودشیفتگی بود. به طور خاص، سزاوار بودن فرد خودشیفته با کاهش بخشش مرتبط بوده است (اکسلاين، بائومیستر، بوشمن کمپبل و فینکل<sup>2</sup>، 2010). همچنین پوراسمعلی، بیرامی و هاشمی (1389) رابطه عامل‌های شخصیتی و زیر مولفه‌های بخشش در بین دانشجویان بررسی نمودند. یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل شخصیتی بطور ترکیبی 0/60 از واریانس تمایل بر بخشش را تبیین می‌کنند و بطور تفکیکی دو بعد روان رنجورخویی به صورت منفی و سازگاری به صورت مثبت قادر به پیش‌بینی معنی دار تمایل بر بخشش می‌باشند.

همچنین در برخی از منابع خشم را به عنوان یکی از متغیرهای تاثیرگذار بر بخشش میان‌فردی ذکر نموده‌اند (ورثینگتون و همکاران، 2006). خشم یا ترس احساسی است که بلافاصله در کسی که خطا در حق او اتفاق افتاده نسبت به طرف مقابل به وجود می‌آید. این احساسات منفی که نشان‌دهنده نبخشیدن هستند نه فقط حل نشده باقی می‌مانند، بلکه این امکان وجود دارد که در اثر نشخوار ذهنی، گسترده‌تر شوند (ورثینگتون و اسپرژ<sup>3</sup>، 2004). نشخوار ذهنی افکار آگاهانه‌ای است که در مورد یک موضوع، پیوسته تکرار می‌شوند و حتی در نبود محرک‌های پدید آورنده آن‌ها نیز فعال می‌گردند در برخی از پژوهش‌های انجام شده گزارش شده که نشخوار فکری

فعالیت‌های مشترک و انسجام گروهی است و می‌تواند بر تعدیل رفتارهای اثرگذار باشد. این توانایی نقش اساسی در زندگی اجتماعی دارد (ریف کتلا و ویفرینگ<sup>8</sup>، 2010). نیروی برانگیزاننده رفتارهای اجتماعی و رفتارهایی است که انسجام گروهی را در پی دارد (جولیفی و فارینگتن<sup>9</sup>، 2006؛ ریف و همکاران<sup>10</sup>، 2010). همدلی عنصری ضروری برای عملکردهای موفقیت‌آمیز بین‌شخصی محسوب می‌شود (سوسا، مکدولند، راش بی، لی، دیموسکا و جیمز<sup>11</sup>، 2010) و پاسخ عاطفی فرد به واکنش‌های عاطفی دیگران است (علی، آموریم و چامورو<sup>12</sup>، 2009). ابراز مناسب همدلی نیاز به مهارت‌های اجتماعی دارد. در این راستا سیف‌الهی، صفاری‌نیا و نیکوگفتار (1394) به بررسی تاثیر آموزش همدلی بر کاهش خودشیفتگی پرداختند. نتایج نشان داد گروهی که در مداخله شرکت کرده بودند میانگین کمتری داشتند و در نتیجه خودشیفتگی کمتری گزارش کردند. به نظر می‌رسد که متغیر همدلی با خودشیفتگی رابطه داشته باشد. در این راستا فاتفتوتا و همکاران<sup>1</sup> (2015) در پژوهشی تاثیر خودشیفتگی را بر بخشش بین‌فردی بررسی کردند و نشان دادند که خودشیفتگی بر میزان بخشش بین فردی موثر است و همدلی بر این رابطه نقش واسطه‌ای اعمال می‌کند.

علاوه بر این بشارت و همکاران (1390) در پژوهشی به تعیین نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین شخصی در بین 609 دانشجوی پرداختند. از یک سو نتایج نشان داد که همبستگی همدلی با کیفیت روابط بین

مجید صفاری نیا و همکاران: اثر میانجی همدلی، نشخوار فکری و خشم در رابطه بین خودشیفتگی و فقدان بخشش میان فردی

نشان داده‌اند که افراد خودشیفته میزان حالت خشم بالایی دارند. علاوه بر این به نظر می‌رسد میزان همدلی در افراد خودشیفته پایین باشد و از سوی دیگر افراد خودشیفته به خاطر اعتماد به نفس کاذبی که دارند و برای حفظ این حالت مجبورند محدودیت‌های در بروز رفتار واقعی داشته باشند بنابراین اکثر اوقات با خود دچار چالش و درگیری هستند و این حالت ممکن است باعث افزایش نشخوار فکری در آن‌ها شود. بنابراین هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین خودشیفتگی با عدم بخشش بین فردی و همچنین بررسی نقش واسطه‌ای متغیرهای خشم، نشخوار فکری و همدلی در رابطه بین خودشیفتگی و عدم بخشش بین فردی است.

### روش

روش پژوهش حاضر همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل 400 دانشجوی کاربر (فیسبوک، لاین و وایبر) شهر قزوین بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر قزوین انتخاب شدند. ابتدا از بین دانشگاه‌های شهر قزوین 4 دانشگاه انتخاب شدند و به طور تصادفی از بین دانشجویان این دانشگاه حجم نمونه مورد نظر پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند.

پرسشنامه شخصیت خودشیفته نسخه 40 ماده‌ای (ان پی آی - 40): این پرسشنامه خود گزارش‌دهی، به منظور سنجش ویژگی‌های مرتبط با شخصیت خودشیفته توسط راسکین و تری (1988) ساخته شده است. سوالات از صفر تا یک نمره‌گذاری می‌شوند. نمره صفر نشان‌دهنده فقدان

تعدیلگر میزان بخشش بین فردی است (برلی و همکاران<sup>4</sup>، 2005). در این راستا دیویس و کلارک<sup>5</sup> (1998) نشان داده‌اند که سرکوب هیجان در هنگام رویارویی با یک رویداد استرس‌زا با پدید آوردن نشخوار ذهنی بعد از آن رویداد ارتباط مستقیم دارد. در این راستا در مطالعات انجام شده نشان داده شد که بخشش با خشم ارتباط معناداری منفی دارد (کاریمانز و اسکات<sup>6</sup>، 2008؛ تامسون، اشنایدر و همکاران<sup>7</sup>، 2005). از سوی دیگر در تعدادی از تحقیقات نشان داده شده که بین نشخوار ذهنی با بخشش رابطه وجود دارد (یسلدیک و همکاران<sup>8</sup>، 2007).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد افرادی که دارای قدرت بخشش بیشتری هستند در مقایسه با دیگران نشخوار فکری کمتری دارند (فاتوفا و همکاران، 2015). تمایلات نشخواری در توانایی بخشش خطاهای بین فردی تداخل ایجاد می‌کند. همچنین بخشش نشخوار و میل به فرونشانی نشخوار متغیرهای دارای تغییرات همگام می‌باشند. به عبارت دیگر نشخوار و میل به فرونشانی آن در بخشش تداخل ایجاد می‌کند بخشش نیز می‌تواند مانع نشخوار شود. آن‌ها همچنین عنوان نمودند این احتمال وجود دارد که ارتباط بدست آمده بین بخشش و نشخوار ساختگی بوده و ناشی از متغیرهای دیگری باشد که این دو را تحت تاثیر قرار می‌دهد (مک کالوی و همکاران، 2006؛ فاتوفا و همکاران، 2015).

مکانیسم‌های زیربنایی واسطه‌ای ارتباط بین خودشیفتگی و عدم بخشش تا حد زیادی ناشناخته هستند. همچنین الگوی تحقیقات پیشین

عذرخواهی برای بعد انتقام جویی 0/51 و بعد دوری گزینی 0/32، و با مقیاس همدلی برای بعد انتقام جویی 0/80 و بعد دوری گزینی 0/46 گزارش شد (مک کالو و دیگران، 1998). در ایران، پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای بعد انتقام جویی 0/85، بعد دوری گزینی 0/91 و برای کل پرسشنامه 0/92 و روایی سازه آن از طریق همبسته نمودن آن با مقیاس گذشت صفت برای ابعاد انتقام جویی و دوری گزینی 0/579- و 0/595- گزارش شده است.

**پرسشنامه همدلی:** این پرسشنامه میزان همدلی عاطفی را در 9 آیتم می‌سنجد. این ابزار به صورت گسترده‌ای در تحقیقات صورت گرفته مورد استفاده قرار گرفته است (مک کالا و ورثینگتون، 1997). آزمودنی‌ها 8 صفت این پرسشنامه را بر اساس درجات 0 تا 5 با عبارتهای اصلا تا کاملا بر اساس احساس و نگرش کنونی نسبت به خطاکار، پاسخ می‌دهند. نمرات بالاتر در این پرسشنامه بیانگر همدلی عاطفی بیشتر است. ضریب آلفای کرونباخ در مورد این ابزار در حدود 0/79 تا 0/95 تخمین زده شده است (یک، 2005). پایایی این پرسشنامه توسط ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش اسدی و همکاران (1395) برابر با 0/91 گزارش شده است.

**پرسشنامه حالت خشم:** برای سنجش حالت خشم از پرسشنامه ساخته اسپیلبرگر (2003) استفاده شد. در پژوهش حاضر از خرده مقیاس 15 سوالی این ابزار استفاده شد. شدت خشم و میزان تمایل فرد به بیان کلامی یا جسمی خشم توسط این مقیاس سنجیده می‌شود. هر یک از

نشانه و نمره یک بیانگر وجود نشانه خودشیفتگی است. در نتیجه دامنه نمرات از صفر تا 40 است که نمرات بالاتر نشان‌دهنده خودشیفتگی بیشتر است. اجرای آن پی‌آی 40 بین 10 تا 15 دقیقه طول می‌کشد. یافته‌های پژوهش صفاری‌نیا و شقاقی و ملکی (1391) نشان داد که شاخص ضریب پایایی به روش همسانی درونی برای کل پرسشنامه 0/77 می‌باشد که در حد قابل قبولی است. همچنین همسانی درونی برای هفت خرده مقیاس آن پی‌آی - 40 بین 0/35 تا 0/55 است. شاخص ضریب بازآزمایی کل آن پی‌آی 40 (0/81) نیز رضایت‌بخش بود و ضرایب خرده مقیاس‌های آن بین 0/55 تا 0/76 بود که در حد رضایت‌بخش بود و همچنین نتایج پژوهش‌های ذکر شده نشان داد که آن پی‌آی - 40 از روایی قابل قبولی برخوردار است.

**پرسشنامه عدم بخشش:** این پرسشنامه را مک کالو، راجال و ساندریج، و ورثینگتون (1998) ساخته‌اند و دو انگیزه‌ی بین فردی انتقام جویی و دوری گزینی را اندازه می‌گیرد. پرسشنامه شامل 12 ماده و 2 خرده مقیاس انتقام جویی و دوری گزینی است که در طیف لیکرت پنج ارزشی، از 1 (کاملاً مخالفم) تا 5 (کاملاً موافقم) تنظیم شده است. نمره‌ی کل دو خرده مقیاس نشان‌دهنده‌ی میزان بخشش فرد است. پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برای عامل انتقام‌جویی 0/90 و برای عامل دوری گزینی 0/94 به دست آمد. همچنین رابطه‌ی این دو عامل با مقیاس صمیمیت رابطه پیش از خطاکاری برای بعد انتقام جویی 0/38- و بعد دوری گزینی 0/13-، با مقیاس

مجید صفاری نیا و همکاران: اثر میانجی همدلی، نشخوار فکری و خشم در رابطه بین خودشیفتگی و فقدان بخشش میان فردی

آزمون‌های آماری رگرسیون میانجی و همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین سطح معناداری  $\alpha=0/05$  درصد در نظر گرفته شد.

#### یافته‌ها

میانگین سنی دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش برابر با  $23/14$  و انحراف استاندارد برابر با  $3/61$  بود. از 197 دانشجوی شرکت‌کننده در پژوهش 113 نفر ( $57/4$ ) درصد را دانشجویان دختر و 84 نفر  $42/6$  درصد را دانشجویان پسر بودند. همچنین نتایج نشان داد 17 نفر ( $8/6$ ) درصد دانشجوی مقطع کاردانی، 112 نفر ( $56/9$ ) درصد مقطع کارشناسی، 61 نفر ( $31$ ) درصد مقطع کارشناسی ارشد و 7 نفر ( $3/6$ ) درصد مقطع دکتری بودند. علاوه بر این از بین دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش 62 نفر ( $31/5$ ) درصد در رشته‌های گروه علوم انسانی، 35 نفر ( $17/8$ ) درصد در رشته‌های گروه هنر و معماری، 47 نفر ( $23/9$ ) درصد در گروه فنی و مهندسی و 53 نفر ( $26/9$ ) درصد در گروه علوم پایه مشغول به تحصیل بودند. براساس میانگین‌ها و انحراف استاندارد گزارش‌شده متغیرهای پژوهش نشان داده شد که میانگین خودشیفتگی برابر با  $15/31$  است، میانگین رفتار جامعه پسند برابر با  $3/17$  است. همچنین برای نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف، اسمیرنوف استفاده شد و نتایج نشان داد که کلیه متغیرها از توزیع نرمال برخوردارند (جدول 1).

عبارت‌های این پرسشنامه با استفاده از یک مقیاس لیکرت چهار بخشی درجه‌بندی می‌شود. یکی از چهار حالت اصلا، کمی، به نسبت و بسیار زیاد برای درجه‌بندی استفاده می‌شود. در پژوهش اصغری مقدم و همکاران (1388) ضریب بازآزمایی مقیاس حالت خشم، احساس خشم، تمایل به بیان کلامی و تمایل به بیان جسمی در جامعه غیر بالینی به ترتیب  $0/64$ ،  $0/52$ ،  $0/66$  و 58 گزارش شده است. همچنین ضریب همسانی درونی برای خرده مقیاس‌های حالت خشم، احساس خشم، تمایل به بیان کلامی خشم و تمایل به بیان جسمی خشم با آزمون آلفای کرونباخ به ترتیب  $0/91$ ،  $0/79$ ،  $0/80$  و  $0/86$  گزارش شده است.

**پرسشنامه نشخوارفکری:** مقیاس نشخوار ذهنی درباره رنجش و خطای بین فردی (وید، وگل، لیائو و گلدمن، 2008) سطح نشخوار ذهنی فرد رنجیده را اندازه‌گیری می‌کند و در یک مقیاس 5 درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. نشخوار فکری به عنوان مرور خطایی که در گذشته اتفاق افتاده و پیامدهای روانی منفی این رویداد تعریف شده است. اعتبار بین‌المللی این مقیاس  $0/90$  است (وید و همکاران، 2008). در پژوهش پارسافر و همکاران (1394) پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ در جمعیت ایرانی  $0/79$  گزارش شده است.

**تجزیه و تحلیل داده‌ها:** برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه 23 و

### جدول 1. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش و نرمالیتت متغیرها

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کلموگروف اسمیرنوف z	Sig
خودشیفتگی	15/31	3/18	0/571	0/913
رفتار جامعه پسند	3/17	0/620	0/895	0/439
همدلی	3/28	0/277	0/756	0/501
نشخوار	3/30	0/642	1/02	0/201
حالت خشم	2/99	0/475	1/09	0/222

### جدول 2. ماتریس همبستگی بین متغیرها

	مدل	1	2	3	4
1	خودشیفتگی				
2	عدم بخشش	**0/269			
3	همدلی	**0/215	0/004		
4	خشم	**0/457	*-0/171	**0/526	
5	نشخوار	**0/620	**0/418	**0/246	**0/513

\*\* در سطح 0/01 صدم معنادار \* در سطح 0/05 صدم معنادار

به منظور بررسی نقش میانجی حالت همدلی، خشم و نشخوار فکری از تجزیه و تحلیل بوت استرپ هایز 2013 با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شد. بدین منظور از بوت استرپ با 5000 نمونه گیری مجدد و 95 درصد فاصله اطمینان استفاده شد. در این شیوه به منظور سنجش اثر غیرمستقیم متغیر میانجی فاصله اطمینان نباید صفر را شامل شود. نتایج آزمون رگرسیون میانجی نشان داد متغیر خودشیفتگی به طور مستقیم اثر معنادار بر میزان عدم بخشش دارد.

همچنین نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش نشان داد بین خودشیفتگی با عدم بخشش ( $r=0/269$ ؛  $sig=0/001$ )، خشم ( $r=0/001$ )، نشخوار فکری ( $r=0/457$ ؛  $sig=0/001$ ) و نشخوار فکری و نشخوار فکری ( $r=0/620$ ) رابطه مثبت معنادار وجود دارد و بین خودشیفتگی با همدلی ( $r=0/215$ ؛  $sig=0/002$ ) رابطه منفی معنی دار وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد بین عدم بخشش با خشم ( $sig=0/016$ )، نشخوار فکری ( $r=0/171$ ؛  $sig=0/001$ ) و نشخوار فکری و نشخوار فکری ( $r=0/418$ ) رابطه منفی معنادار وجود دارد ولی بین همدلی با عدم بخشش ( $r=0/004$ ؛  $sig=0/953$ ) رابطه معنادار وجود ندارد.



مجید صفاری نیا و همکاران: اثر میانجی همدلی، نشخوار فکری و خشم در رابطه بین خودشیفتگی و فقدان بخشش میان فردی

جدول 3. نتایج تحلیل میانجی اثرات کل و مستقیم

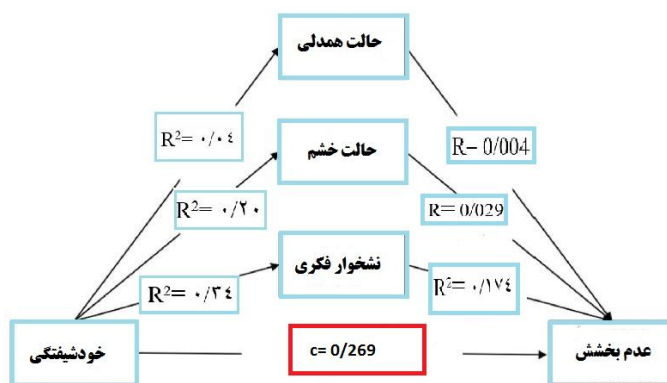
مدل	اثر	SE	T	P	LLC	ULC
اثر مستقیم	0/322	0/020	15/85	0/0001	0/282	0/362
اثر کل	0/098	0/025	3/890	0/0001	0/048	0/147

نشخوار فکری و حالت خشم با عدم بخشش رابطه منفی معنادار وجود دارد ولی بین همدلی با عدم بخشش رابطه معنادار وجود ندارد. نهایتاً نتایج مدل میانجی نشان داد که همدلی نقش میانجی در رابطه بین خودشیفتگی و عدم بخشش را ندارد ولی متغیر نشخوار فکری و حالت خشم نقش میانجی رابطه بین خودشیفتگی و عدم بخشش را دارد (جدول 4).

همچنین نتایج نشان داد که از بین متغیرهای همدلی، نشخوار ذهنی و حالت خشم متغیرهای حالت خشم و نشخوار فکری اثر میانجی بر رابطه بین خودشیفتگی و عدم بخشش دارند. در مرحله اول نتایج رگرسیون نشان داد بین خودشیفتگی با همدلی رابطه منفی معنادار و بین خودشیفتگی با نشخوار فکری و حالت خشم رابطه مثبت معنادار وجود دارد. در مرحله دوم نشان داده شد که بین

جدول 4. نتایج تحلیل میانجی اثرات غیر مستقیم

متغیر	اثر	Boot SE	Boot LLC	Boot ULC
همدلی	0/010	0/013	-0/007	0/048
خشم	-0/029	0/018	-0/074	-0/0008
نشخوار	-0/205	0/022	-0/247	-0/161
اثر کل	-0/224	0/028	-0/286	-0/173



شکل 1. اثرات میانجی متغیرهای همدلی، نشخوار فکری و حالت خشم

## نتیجه‌گیری و بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که خودشیفتگی با عدم بخشش رابطه مثبت معنادار دارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های بال و پتی جاوون (2016)، ساندریج و همکاران (2016)، فاتفوتا و همکاران<sup>1</sup> (2015) و یانگ سون و همکاران<sup>2</sup> (2013) هم‌راستا است. خودشیفتگی از جنبه‌های انطباقی و غیرانطباقی تشکیل شده است و مطالعات در این زمینه نشان داده است که خودشیفتگی کیفیت روابط بین افراد را دچار مشکل می‌کند. در این راستا رابنس و دیوپنت<sup>3</sup> (1992) چرخه معیوبی از رفتارهای را توصیف می‌کنند که در آن رفتار بین شخصی نادرست فرد خود شیفته باعث شکست در روابط اجتماعی می‌شود و این رفتارهای بین شخصی نادرست به منظور محافظت از حس شکننده خود فرد خودشیفته به کار گرفته می‌شوند. بنابراین با توجه به نتایج فرضیه حاضر به نظر می‌رسد که صفت هر چه خودشیفتگی بیشتر باشد عدم بخشش بین فردی بیشتر خواهد شد و هرچه خودشیفتگی کمتر باشد بخشش بین فردی بیشتر خواهد شد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد متغیر همدلی رابطه بین خودشیفتگی و عدم بخشش را میانجی‌گری نمی‌کند. این یافته با پژوهش‌های گور و بادواج (2015)، بشارت، خدابخش، فراهانی و رضازاده (1390) ناهمخوان است. براساس دیدگاه‌های بین شخصی، الگوهای بین شخصی غیر انطباقی نتیجه تعاملات جاری فرد و محیط اجتماعی او است. روابط بین شخصی نه تنها رفتارهای اجتماعی را شکل می‌دهد، بلکه بر

احساس فرد از خود و دیگران تاثیر گذارند (آلدن و تیلور<sup>4</sup>، 2004). همدلی نقش اساسی در زندگی اجتماعی دارد و نیروی برانگیزاننده رفتارهای اجتماعی و رفتارهایی است که انسجام گروهی را در پی دارد. همدلی عنصری ضروری برای عملکردها موفقیت‌آمیز بین شخصی (سوسا و همکاران، 2010)، پاسخ‌دهی هیجانی به احساسات فرد دیگر (شامای-تسوری، هارون پرتز و پری<sup>5</sup>، 2008) و فرایند زیربنایی تغییرات روان‌شناختی واقعی است. که از طریق توانایی سهیم شدن در حالات هیجانی دریافت پس‌خوراند از روابط بین شخصی و آگاهی از احساسات فرد دیگر را شامل می‌شود و به نظر می‌رسد مشکلات بین شخصی را کاهش داده و زمینه بهبود روابط اجتماعی را فراهم می‌سازد. در نهایت می‌توان با توجه به پیشینه پژوهش ذکر نمود که همدلی توانایی میانجی‌گری برخی از ویژگی‌های روان‌شناختی را دارد که این ویژگی‌ها بر روابط بین فردی تاثیر قابل توجهی می‌گذارند.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد متغیر حالت نشخوار فکری رابطه بین خودشیفتگی و عدم بخشش بین فردی را میانجی‌گری می‌کند. این یافته با پژوهش‌های رضایی و همکاران (1391) در یک راستا می‌باشد. افراد خودشیفته نشخوار فکری بیشتری دارند و سرانجام خودشیفتگی پیش‌بینی کننده همدلی کمتر است (واتسون و موریس<sup>6</sup>، 1991). پژوهش‌ها نشان می‌دهد

1. Fatfouta & et al  
2. Youngsun & el al  
3. Robbins & Diopent  
4. Elden & Taylor

مجید صفاری نیا و همکاران: اثر میانجی همدلی، نشخوار فکری و خشم در رابطه بین خودشیفتگی و فقدان بخشش میان فردی افرادی که دارای قدرت بخشش بیشتری هستند در مقایسه با دیگران نشخوار فکری کمتری دارند (فاتفتوتا و همکاران، 2015). تمایلات نشخواری در توانایی بخشش خطاهای بین فردی تداخل ایجاد می‌کند. همچنین بخشش نشخوار و میل به فرونشانی نشخوار متغیرهای دارای تغییرات همگام می‌باشند. افرادی که به نشخوار فکری مشکلاتشان می‌پردازند احتمالاً به تناقض پی می‌برند و همین امر یا منجر به اجتناب از ادامه نشخوار ذهنی و یا باعث تمرکز روی مشکلات دیگرشان می‌شود. در این راستا مطالعات حاضر نشان داد که نشخوار فکری کمتر باعث بهبود رابطه بین رفتار جامعه پسند و بخشش می‌شود.

همچنین نتایج نشان داد متغیر حالت خشم رابطه بین خودشیفتگی و عدم بخشش را میانجی‌گری می‌کند. این یافته با پژوهش کویل‌جان (2013) هیرساج، وب و جگلیک (2011) در یک راستا بود. در پژوهش‌های قبلی گزارش شده که خودشیفته‌ها خشم بالاتر در مواجه شدن با خطاها و طرد میان فردی دارند (توانگ و کمپبل<sup>1</sup>، 2003).

به‌طور کلی می‌توان نتیجه‌گیری نمود که متغیر خودشیفتگی پیش‌بینی کننده متغیر عدم بخشش بین فردی است و همچنین حالت خشم و نشخوار فکری رابطه بین خودشیفتگی و عدم بخشش بین فردی را میانجی‌گری می‌کند. از

یک سو می‌توان بیان نمود که بین ویژگی‌های شخصیتی با ویژگی‌های رفتاری در افراد رابطه وجود دارد به نحوی که خودشیفتگی بیشتر نشان داده که با عدم بخشش بیشتر همراه است و خودشیفتگی کمتر با بخشش بیشتر همراه است. بر اساس مدل مفهومی مک کالو (2001) نشان داده شده که مدل صمیمیت\_ همدلی بر میزان بخشش موثر است. در این راستا به نظر می‌رسد که با تقویت ویژگی همدلی در افراد میزان خودشیفتگی کاهش پیدا می‌کند. از سوی دیگر نشان داده شد که متغیرهای حالت خشم و نشخوار فکری باعث میانجی‌گری رابطه بین خودشیفتگی با عدم بخشش بین فردی می‌شود به نظر می‌رسد که میزان خودشیفتگی افراد هر چه بیشتر باشد و علاوه بر آن خشم نیز بالا باشد افراد تمایل به بخشش کمتری پیدا می‌کنند. همچنین می‌توان اینطور اظهار نمود که نشخوار فکری هم در افراد با خودشیفتگی بیشتر مشاهده می‌شود که منجر به کاهش میزان بخشش در افراد می‌شود. بنابراین می‌توان اینطور نتیجه گرفت که اگر متغیرهایی جزئی رفتاری مانند همدلی را مورد توجه قرار دهیم از این طریق توانایی تغییر رفتار کلی‌تر مانند بخشش را خواهیم بود. نهایتاً با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره دوره‌های آموزشی مبتنی بر روش‌های برای کاهش حالت خشم و نشخوار فکری و به دنبال آن افزایش بخشش برگزار کنند.

5. Shami\_Tsuri, Aaron Peretz & Perry  
6. Watson & Morris  
1. Twenge & Campbell

## منابع

- پوراسمعی، ا.؛ بیرامی، م. و هاشمی، ت (1389). «رابطه عامل‌های شخصیتی و زیر مولفه‌های بخشش (تنفر پایا، حساسیت به مقتضیات و تمایل بر بخشش)، در بین دانشجویان دانشگاه تبریز»
- سیف‌اللهی، ا. پ.؛ صفاری‌نیا، م. و نیکوگفتار، م (1394). «تأثیر آموزش همدلی بر کاهش خودشیفتگی و افزایش رفتار جامعه‌پسند». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور استان تهران، دانشکده علوم انسانی.
- صفاری‌نیا، م.؛ شقاقی، ف. و ملکی، ب (1391). بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه شخصیت خودشیفته-NPI (40). فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی، شماره 8، پاییز 1391 ص 71.
- صفاری‌نیا، م.؛ آقاییوسفی، ع.ر. و برادران، م (1393). «رابطه ابعاد شخصیت با حل مساله و بهزیستی روانشناختی: نقش خودشیفتگی». فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، شماره 17، بهار 1393 ص 89-102.
- Abid, M. & Hussain, S. (2015). "Forgiveness: It's relation with psychological well-being and psychological distress among old age women". *Indian Journal of Positive Psychology*, 6(4), 340.
- Ali, F.; Amorim, I. S. & Chamorro-Premuzic, T. (2009). "Empathy deficits and trait emotional intelligence in psychopathy and Machiavellianism". *Personality and Individual Differences*, 47(5), 758-762.
- Emmons, R. A. (2000). "Personality and forgiveness". *Forgiveness: Theory, research, and practice*, 156-175.
- Enright, R. D. & Coyle, C. T. (1998). "Researching the process model of forgiveness within psychological interventions". *Dimensions of forgiveness: Psychological research and theological perspectives*, 139-161.
- Enright, R. D.; Freedman, S. & Rique, J. (1998). "The psychology of interpersonal forgiveness". *Exploring forgiveness*, 46-62.
- Fatfouta, R.; Gerlach, T. M.; Schröder-Abé, M. & Merkl, A. (2015). "Narcissism and lack of interpersonal forgiveness: The mediating role of state anger, state rumination, and state empathy". *Personality and Individual Differences*, 75, 36-40.
- Foster, J. D. & Campbell, W. K. (2005). "Narcissism and resistance to doubts about romantic partners". *Journal of Research in Personality*, 39: 550-557.
- Fehr, R. (2010). *On the (un)intended consequences of forgiveness: creativity after conflict*. Unpublished doctoral dissertation. University of Maryland.
- Frederick, T. (2015). "Forgiveness and mental health practice". *Mental Health, Religion & Culture*, 18(5), 418-424.

- Griffin, B. J.; Worthington Jr, E. L.; Lavelock, C. R.; Wade, N. G. & Hoyt, W. T. (2015). "Forgiveness and mental health". In *Forgiveness and Health* (pp. 77-90). Springer Netherlands.
- Jolliffe, D. & Farrington, D. P. (2006). "Examining the relationship between low empathy and bullying". *Aggressive Behavior*, 32(2), 540-550.
- Maltby, J.; Macaskill, A. & Gillett, R. (2007). "The cognitive nature of forgiveness: Using cognitive strategies of primary appraisal and coping to describe the process of forgiving". *Journal of clinical psychology*, 63(6), 555-566.
- McCullough, M. E.; Fincham, F. D. & Tsang, J. A. (2003). "Forgiveness, forbearance, and time: the temporal unfolding of transgression-related interpersonal motivations". *Journal of personality and social psychology*, 84(3), 540.
- McCullough, M. E.; Rachal, K. C.; Sandage, S. J.; Worthington, E. L.; J. r.; Brown, S. W. & Hight, T. L. (1998). "Interpersonal forgiving in close relationships II: Theoretical elaboration and measurement". *Journal of Personality and Social Psychology*, 75(6), 1586-1603.
- Ra, Y. S.; Cha, S. Y. & Hyun, M. H. i Bae, SM (2013). "The mediating effects of attribution styles on the relationship between overt-covert narcissism and forgiveness". *Social behavior and personality*, 41(4), 881-892.
- Rieffe, C.; Ketelear, L. & Wiefferink, C. H. (2010). *Assessing empathy in young children: construction and validation of an empathy questionnaire (em que)*. Personality and individual differences, in press.
- Sandage, S. J. & Crabtree, S. (2012). "Spiritual pathology and religious coping as predictors of forgiveness". *Mental Health, Religion & Culture*, 15(7), 689-707.
- Sandage, S. J.; Jankowski, P. J.; Bissonette, C. D. & Paine, D. R. (2016). "Vulnerable Narcissism, Forgiveness, Humility, and Depression: Mediator Effects for Differentiation of Self".
- Sousa, A. D.; McDonald, S.; Rushby, J.; Li, S.; Dimoska, A. & James, C. (2010). "Understanding deficits in empathy after traumatic brain injury: The role of affective responsivity".
- Toussaint, L. & Webb, J. R. (2005). "Gender differences in the relationship between empathy and forgiveness". *The Journal of social psychology*, 145(6), 673-685.
- Toussaint, L. & Webb, J. R. (2005). "Theoretical and empirical connections between forgiveness, mental health, and well-being". *Handbook of forgiveness*, 349-362.
- van der Wal, R. C.; Karremans, J. C. & Cillessen, A. H. (2016). "Interpersonal forgiveness and psychological well-being in late childhood". *Merrill-Palmer Quarterly*, 62(1), 1-21.
- Watson, P. J. & Morris, R. J. (1991). "Narcissism, empathy and social desirability". *Personality and Individual Differences*, 12(6), 575-579.
- Worthington Jr, E. L. & Wade, N. G. (1999). "The psychology of unforgiveness and forgiveness and implications for clinical practice".

*Journal of Social and clinical psychology*, 18(4), 385-418.

- Worthington, E. L.; J. r.; Witvliet, C. V.; Pietrini, P. & Miller, A. J. (2007). "Forgiveness, health, and well-being; A review of evidence for emotional versus decisional forgiveness, dispositional forgiveness,

and reduced unforgiveness". *Journal of Behavioral Medicine*, 30, 291-302

- Ysseldyk, R.; Matheson, K. & Anisman, H. (2007). "Rumination : Bridging a gap between forgiveness , vengeance, and psychological health". *Personality and Individual Differences*, 42(8):1573-84.